

ارزیابی دیدگاه‌های پریسیلا سوسک درباره حضرت سلیمان(ع) در قرآن

چکیده

شناخت دقیق آراء خاورشناسان درباره معارف قرآنی و نقد علمی آنها، برای مسلمانان ضرورتی انکارناپذیر است. خانم پریسیلا سوسک (Priscilla Soucek) از جمله خاورشناسانی است که در این زمینه به بیان دیدگاه‌های خود پرداخته است. وی درباره حضرت سلیمان(ع) در قرآن، دیدگاه‌هایی را مطرح کرده است که با مبانی عقلی و قرآنی سازگاری چندانی ندارد، به همین منظور، در مقاله حاضر تلاش شده تا به معرفی و نقد دیدگاه‌های وی در این خصوص پرداخته شود. روش تحقیق در این پژوهش، مطالعه کتابخانه‌ای و رویکرد آن تحلیلی-انتقادی است؛ این بدان معنا نیست که از روش‌های توصیفی استفاده نشده است. اگرچه بررسی دیدگاه‌های سوسک در مورد حضرت سلیمان(ع) در قرآن مرکز توجه و تحلیل بوده، اما برای تکمیل این تحقیق در مواقع مورد نیاز، از دیدگاه‌های عالمان مسلمان استفاده شده است. پژوهش‌های سوسک درباره حضرت سلیمان(ع)، گویای تتبع بسیار وی در منابع اسلامی است. او با استفاده از آیات قرآن، سه ویژگی مهم برای وی برشمرده است: فرمانروایی توأم با علم و حکمت، برخورداری از حمایت الهی به رغم لغزش‌های گاه و بیگاه در عبادت و دارا بودن توانایی‌های مرموز و سحرآمیز. وی در لابه‌لای ویژگی سوم به رابطه حضرت سلیمان(ع) با ملکه سبا نیز اشاراتی کرده است. با آن که ویژگی‌های برشمرده خانم سوسک برای آن حضرت، بعضاً حاوی نکات مثبتی است، ولی نگاه اومانستی و سکولاریستی وی به مقام نبوت، استناد به اسرائیلیات، نسبت دادن کوتاهی و لغزش در عبادت به حضرت سلیمان(ع)، عادی‌انگاری معجزات آن حضرت و یاد کردن از آنها با عنوان توانایی‌های مرموز و سحرآمیز و نسبت دادن ارتباط با نامحرم به وی از جمله نکات منفی دیدگاه‌های او است.

واژگان کلیدی: پریسیلا سوسک، حضرت سلیمان(ع)، قرآن، اسرائیلیات، خاورشناسان.

۱. مقدمه

مستشرقان، نتیجه پژوهش‌های خود را درباره معارف قرآنی در قالب مقالات، کتاب‌ها و دائرةالمعارف‌ها به جهان علم عرضه کرده‌اند.

شناخت دقیق دیدگاه‌های خاورشناسان در این آثار و نقد آن‌ها، ضرورتی انکارناپذیر به نظر می‌رسد؛ چه این که در پس نگارش برخی از این آثار، اهداف استعماری و تبشیری نهفته است (رضایی هفتادر، ۱۳۹۹: ۲۹۵). افزون بر این، در لابه‌لای مطالب مطرح شده در این آثار، شبهات و انتقاداتی درباره معارف قرآنی به چشم می‌خورد. لزوم شناخت صحیح قرآن پژوهی در غرب، آن‌گاه دوچندان می‌شود که به یاد آوریم عالمان مسلمان در گذشته، همواره خود را به پاسخ‌گویی انتقادات و اعتراض‌های یهود و نصارا ملزم می‌دانستند؛ چنان که امامان بزرگوار شیعه از جمله: امام صادق (ع) و امام رضا (ع) از پیشگامان مناظره با مخالفان اسلام و پیروان دیگر ادیان بودند. آنان با حضور در مجالس مناظره، شبهه‌ها و پرسش‌های اهل کتاب و زنادقه را پاسخ می‌گفتند.

در قرآن مباحثی درباره انبیای بنی اسرائیل بیان شده است. حضرت سلیمان (ع) از زمره این انبیا محسوب می‌شود. خاورشناسان تحقیقات گسترده‌ای درباره حضرت سلیمان (ع) در قرآن انجام داده‌اند. خانم پریسیلا سوسک از جمله این مستشرقان به شمار می‌آید که به بررسی زندگی حضرت سلیمان (ع) و ویژگی‌های وی در قرآن پرداخته و در این باره دیدگاه‌های خود را بیان کرده است. تا آنجا که بررسی شد، پژوهشی یافت نگردید که در آن به ارزیابی دیدگاه‌های خانم سوسک در مورد حضرت سلیمان (ع) در قرآن پرداخته باشد، لذا تحقیق حاضر می‌کوشد تا با روش توصیفی-تحلیلی به ارزیابی نظرگاه‌های وی در موضوع پیش گفته بپردازد. از آنجا که دیدگاه‌های پریسیلا سوسک محل بحث این نوشتار است، در ادامه به زندگی‌نامه علمی وی اشاره می‌گردد.

۱-۱. زیست‌شناخت علمی پریسیلا سوسک

خانم پریسیلا سوسک استاد رشته‌ی تاریخ هنر است. او در دانشگاه امریکایی بیروت دوره کارشناسی، در دانشگاه ویسکانسین (Wisconsin) دوره کارشناسی ارشد و در دانشگاه نیویورک (New York) دوره دکتری را سپری کرد. وی در خلال سال‌های ۱۹۶۹-۱۹۸۱ در دانشگاه میشیگان (Michigan) و در سال ۱۹۸۱ در دانشگاه نیویورک تدریس نمود. متن و تصویر نسخه‌های خطی فارسی، قرآن و فرهنگ مادی، کشورهای اسلامی حوزه دریای مدیترانه در زمان جنگ‌های صلیبی، برخی از حوزه‌هایی هستند که سوسک در آن‌ها به تدریس پرداخت.

مهم‌ترین زمینه‌های پژوهش‌های وی عبارتند از:

فرهنگ مادی و قرآن، «تخت سلیمان»، محتوا و بافت هنرهای تجسمی در جهان اسلام.

(Soucek, ۲۰۰۳a: ۳/۲۹۶-۳۳۰; Id., ۲۰۰۳b: ۵/۷۶-۷۸)

۲. دیدگاه‌های پریسیلا سوسک درباره حضرت سلیمان (ع)

خانم سوسک با استنباط از آیات قرآن، در پژوهش خود درباره حضرت سلیمان (ع)، به طور کلی در چهار محور بحث کرده است. وی در این پژوهش، سه نقش مهم برای حضرت سلیمان (ع) برشمرده و از یکایک آن‌ها بحث کرده است

که عبارتند از: به ارث بردن علم، حکمت و سلطنت از پدرش، برخورداری از حمایت الهی، به رغم لغزش‌های گاه و بیگاه در عبادت و داشتن توانایی‌های مرموز و سحرآمیز به اذن خداوند. ضمن این که وی به تناسب از رابطه حضرت سلیمان(ع) و ملکه سبا نیز بحث کرده است. (Soucek, ۲۰۰۳b: ۵/۷۶-۷۷)

۳. بررسی دیدگاه‌های سوسک درباره سلیمان(ع)

به رغم آن که خانم سوسک، با استفاده از آیات قرآن توصیفات قابل توجهی از زندگانی حضرت سلیمان(ع) به رشته‌ی تحریر در آورده است، اما به نظر می‌رسد وی در این پژوهش، بیشتر به دنبال ناسازگار جلوه دادن آیات مختلف قرآن درباره این پیامبر الهی و به کرسی نشاندن پیش‌فرض‌های مذهبی خود درباره حضرت سلیمان(ع) است؛ بر این اساس، در ادامه، دیدگاه‌های وی در این خصوص تبیین و نقد می‌شود.

۳-۱. به ارث بردن علم، حکمت و سلطنت از پدر توسط حضرت سلیمان(ع)

خانم سوسک ضمن تأکید بر این مطلب که کتاب مقدس از حضرت سلیمان(ع) به عنوان پسر حضرت داوود(ع) و وارث تخت پادشاهی او یاد کرده است، وجه تمایز قرآن در معرفی وی را این گونه بیان می‌کند:

از سلمیان به عنوان فرمانروایی یاد شده که علم و حکمت را در اختیار داشت. وی این خصوصیات را از پدرش داوود به ارث برد، اما به او اطمینان داده شد که در خصوصیات مذکور بر پدرش پیشی گرفته است. (انبیاء: ۷۸-۷۹؛ نمل: ۱۵-۱۶)

مورد دیگری که در آن، پسر از پدر ماهرتر است وقتی است که سلیمان به عنوان يك معمار معرفی می‌شود. قرآن به بناها و اشیاء گوناگونی اشاره می‌کند که برای سلیمان ساخته شدند. این بناها و اشیاء شامل: نمازخانه‌ها (محراب)، مجسمه‌ها یا پیکره‌ها (تماثیل) و ظروف بزرگ (جفان) هستند. (نمل: ۴۴؛ Soucek, ۲۰۰۳b: ۵/۷۷)

۳-۱-۱. بررسی

اصل این مسأله که خانم سوسک حضرت سلیمان(ع) را دارای ویژگی فرمانروایی معرفی می‌کند، نکته مثبتی است؛ ولی تعریض وی در مقام مقایسه بین قرآن و کتاب مقدس، به عدم تناسب مقام فرمانروایی با علم و حکمت حضرت سلیمان(ع) وجهی ندارد؛ زیرا بر اساس بینش اسلامی، نقش اصلی انبیا، هدایت‌گری و بیان علم و حکمت است. در همین جهت، اگر زمینه برای حضور آنان در عرصه‌ی حکمرانی فراهم باشد، بر آنان واجب است در جهت همان نقش اصلی؛ یعنی تربیت معنوی انسان‌ها، در این عرصه نیز به ایفای مسئولیت خود بپردازند.

بدین ترتیب، هیچ تضادی بین فرمانروایی مورد اشاره کتاب مقدس و قرآن برای حضرت سلیمان(ع)، و ویژگی علم و حکمت وی که قرآن به صورت متمایز به آن اشاره کرده است، وجود ندارد و

تفاوت قائل شدن بین آن دو، از نگاه سکولاریستی خانم سکوسک به ویژگی‌های حضرت سلیمان (ع) نشأت گرفته است.

به رغم آن که قرآن اعطای ویژگی‌های یاد شده درباره حضرت سلیمان (ع) را از سوی خداوند می‌داند، اما خانم سوسک این ویژگی‌ها را به صورت مجهول ذکر کرده است. به نظر می‌رسد این مطلب ناشی از نگاه مبنایی ترویجی به مقوله پیامبری؛ یعنی نگاه اومانیزستی باشد که بر اساس آن، جنبه الهی نبوت نادیده گرفته شده است.

از دیدگاه خانم سوسک، در قرآن حضرت سلیمان (ع) برتر از حضرت داود (ع) معرفی شده است؛ اما در آیاتی که وی بدان‌ها استناد کرده است، هیچ عبارتی دال بر برتری حضرت سلیمان (ع) بر حضرت داود (ع) در ویژگی علم و حکمت وجود ندارد، غیر از عبارتی که می‌گوید: ﴿فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ...﴾ (انبیاء: ۷۹)؛ پس آن داوری را به سلیمان (ع) فهمانیدیم. در این عبارت، حضرت سلیمان (ع) دارای مزیت داوری در زمینه پیشامد خاصی (ورود گوسفندان فردی به زراعت فردی دیگر) معرفی می‌گردد. بنابراین، عبارت مذکور، صراحتی به برتری حضرت سلیمان (ع) بر حضرت داود (ع) در مطلق داوری ندارد؛ چه رسد به برتری مطلق در علم و حکمت. از این رو، در ادامه همین عبارت و برای دفع دخل مقدر، علم و حکمت به پدر و پسر علی‌السویه نسبت داده شده و بیان گردیده: ﴿...وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا...﴾ (انبیاء: ۷۹)؛ و به هر یک از آن دو حکمت و دانش (در پیشامدهای مختلف) عطا کردیم. بنابراین، از این آیات برداشت نمی‌شود که حضرت سلیمان (ع) نسبت به حضرت داود (ع) برتری ویژه‌ای حتی در مقام قضاوت داشته است.

بدین ترتیب، با توجه به عدم صراحت آیات قرآن در این موضوع، به نظر می‌رسد خانم سوسک این استنباط را از گستردگی قلمرو پادشاهی حضرت سلیمان (ع) نسبت به حضرت داود (ع) که امری مادی بوده، استفاده کرده است، در حالی که برتری ظاهری در مادیات، به هیچ وجه، ملاک برتری در مسائل معنوی، مثل علم و حکمت نیست.

بر همین اساس، در برخی روایات درباره حضرت سلیمان (ع) آمده است: «او آخرین کس از پیامبران است که (به منظور سؤال درباره نعمت‌هایی که خداوند در دنیا به او عطا فرموده بود) وارد بهشت می‌شود». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۷/۷۰؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۵۶۴/۳-۵۶۵)

۲-۳. برخورداری از حمایت الهی به رغم لغزش‌های گاه و بیگاه در عبادت

خانم سوسک در پژوهش خود به ویژگی دیگری از حضرت سلیمان (ع) که برخورداری از حمایت الهی و توفیق بهشتی بودن است که البته، از دیدگاه وی این ویژگی آمیخته به لغزش‌های گاه و بیگاه در عبادت است، به این نحو اشاره کرده است:

وی پیامبری است که به رغم لغزش‌های گاه و بیگاه در عبادت، از حمایت الهی برخوردار بود؛ به او اطمینان داده شد که مفتخر به دریافت جایگاهی در بهشت گردیده است. (Soucek, ۲۰۰۳b: ۵/۷۶)

۳-۲-۱. بررسی

با بررسی آیاتی که در آن‌ها داستان زندگانی حضرت سلیمان (ع) آمده، به نظر می‌رسد خانم سوسک لغزش آن حضرت در عبادت را از تفسیر آیات ۳۱ تا ۳۳ سوره صاد برداشت کرده است. این آیات بدین قرارند: ﴿إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ * فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ * رُدُّوَهَا عَلَيَّ فَنَنْفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ﴾؛ «هنگامی که (طرف) غروب، اسب‌های اصیل را بر او عرضه کردند، (سلیمان (ع)) گفت: «واقعاً من دوستی اسبان را بر یاد پروردگارم ترجیح دادم تا (هنگام نماز گذشت و خورشید) در پس حجابِ ظلمت شد». (گفت: «اسب‌ها را نزد من بازآورید». پس شروع کرد به دست کشیدن بر ساق‌ها و گردن آن‌ها (و سرانجام وقف کردن آنها در راه خدا)». (ص: ۳۱-۳۳)

طبق قول مشهور^۱، این آیات مربوط به قضا شدن عملی عبادی از حضرت سلیمان (ع) است، به این نحو که سان دیدن حضرت سلیمان (ع) از ارتش اسب‌های اصیل و تیزرو و علاقه وی به آن‌ها، موجب غفلت و اشتغال قلبی آن حضرت شده و نماز عصر وی قضا گردید و در پی آن، اسب‌های ارتش را فراخوانده و شروع به پی کردن، گردن زدن و ذبح کردن آن‌ها نمود (قمی، ۱۳۶۷: ۲۳۴/۲-۲۳۵؛ طوسی، بی‌تا: ۵۶۰/۸؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۵۰۳/۴؛ ابن جزی، ۱۴۱۶: ۲۰۷/۲؛ جرجانی، ۱۳۷۷: ۱۴۷/۸؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۲۸/۶؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۶۵۳/۴). مطابق این دیدگاه، مرجع ضمیر در (تَوَارَتْ)، آفتاب؛ در (رُدُّوَهَا)، اسب‌ها؛ و (...مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ) (ص: ۳۳) نیز به معنی «پی کردن و گردن زدن» گرفته شده است.

۱. در برابر دیدگاه مشهور، دیدگاه‌های دیگری نیز وجود دارند. برخی از این دیدگاه‌ها عبارتند از:

الف) هیچ لغزشی از **حضرت سلیمان (ع)** سر نزده و چیزی از وی فوت نشده است؛ بلکه، برخی مفسران - برای تطبیق آیه مورد بحث با تفسیر مشهور - بی‌دلیل خود را به تکلف انداخته‌اند (سیدمرتضی، ۱۳۷۷: ۹۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۹۰/۲۶-۳۹۲؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۳۷۰/۹؛ نظام نیشابوری، ۱۴۱۶: ۵۹۴/۵؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۸۲۴/۳). برخی معتقدند او در حال نماز بود که اسب‌ها را عرضه کردند و سپس با اشاره‌اش، به اصطبل فرستادند. بعد از اتمام نماز دستور داد اسب‌ها را برگردانند و شروع به نوازش و بررسی آن‌ها کرد. (نحاس، ۱۴۲۱: ۳۱۱/۳؛ ابن جزی، ۱۴۱۶: ۲۰۸/۲؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰: ۱۵۴/۹؛ ثعالبی، ۱۴۱۸: ۶۶/۵)

ب) نمازی که از **حضرت سلیمان (ع)** فوت شد، فریضه نبوده، بلکه نافله بوده است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۴۰/۸؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۵۰/۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۲/۱۴؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۴: ۵۲۶/۴)

ج) عمل مستحبی مانند تلاوت تورات، یا ذکر خداوند و یا وردی مخصوص فوت شد که **حضرت سلیمان (ع)** مقید به انجام آن در آخر روز بود (قشیری، بی‌تا: ۲۵۴/۳؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۵۰/۸؛ نجوانی، ۱۹۹۹: ۲۳۲/۲؛ سبزواری نجفی، ۱۴۰۶: ۱۱۵/۶). در بحرالمحیط این قول، به جمهور مفسران نسبت داده شده است. (ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰: ۱۵۳/۹)

دیدگاه پیش‌گفته خانم سوسک که متأسفانه برخی از مفسران گذشته نیز بدان دامن زده‌اند، از جهات مختلفی قابل نقد است که در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱-۲-۳. استنباط غلط از آیات قرآن

خانم سوسک طوری حضرت سلیمان(ع) را به لغزش‌های گاه و بیگاه در عبادت متهم می‌سازد که انگار این ویژگی جزئی از ساختار وجودی وی است؛ زیرا خانم سوسک توصیف مذکور را به شکل جمع (لغزش‌ها) و به صورت مستمر (گاه و بیگاه) بیان کرده است (Soucek, ۲۰۰۳b: ۵/۷۶). این مطلب در حالی است که حتی مفسران قائل به لغزش حضرت سلیمان(ع) نیز، چنین ادعائی نکرده‌اند. البته، انتساب این ویژگی منفی به حضرت سلیمان(ع)، به صورت موردی یا ساختاری، کاملاً منتفی بوده و با سبک و بیان آیات قرآن، بیگانه است. آن چه که قرآن بر آن صحنه می‌گذارد، آن است که حضرت سلیمان(ع) با وجود برخورداری از قدرت و جلال و جبروت بی‌مانند، لحظه‌ای از یاد پروردگار غافل نشد و وظیفه رسالت خود را به نحو احسن انجام داد؛ به همین جهت، مستحق دریافت ثواب الهی شد.

به نظر می‌رسد که مقصود خانم سوسک از این سخنش که «سلیمان مفتخر به دریافت جایگاهی در بهشت گردیده است»، نقد عملکرد حضرت سلیمان(ع) و عدم استحقاقش به دخول در بهشت باشد. به عبارت دیگر، از این سخن خانم سوسک چنین برمی‌آید که گویا حضرت سلیمان(ع) با انجام بعضی کارها، شایستگی بهشت را نداشته است، اما به او افتخار داده شده و جایگاهی در بهشت برای وی در نظر گرفته شده است! این تلقی از سخن خانم سوسک، با در نظر گرفتن این تعبیر وی: «به او اطمینان داده شد»، بیشتر قوت می‌گیرد و چنین برداشت می‌شود که گویا خود آن حضرت هم از این که ممکن است چنین کارهایی استحقاق بهشت را از وی سلب نمایند، نگران بوده است.

بدین ترتیب، از سخن خانم سوسک این چنین برداشت می‌شود که وی به نوعی در صدد است تناقض بین دو مطلب بیان شده توسط قرآن درباره حضرت سلیمان(ع) را اثبات کند و یا این تلقی را که انبیا هیچ امتیاز خاصی بر دیگران نداشته و از این نظر مانند افراد عادی هستند، تقویت کند. این مطلب در حالی است که از آیه: ﴿إِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَ حُسْنَ مَّآبٍ﴾؛ «و قطعاً برای او در پیشگاه ما تقرب و فرجام نیکوست» (ص: ۴۰) چنین برداشتی نمی‌توان کرد؛ زیرا اولاً مخاطب آیه، خود حضرت سلیمان(ع) نیست، ثانیاً این آیه گزارشی تاریخی به مخاطبان زمان نزول قرآن درباره جایگاه وی در بهشت، بعد از وفاتش است.

۱-۲-۳. تضاد با سیاق آیات مربوطه

قول مشهور، مجموعه‌ای از انواع افعال مذموم را در حضرت سلیمان (ع) جمع کرده است که هیچ یک از آن‌ها با ظاهر آیات مد نظر موافقتی ندارند. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۹۱/۲۶)

آیات ۳۰ تا ۴۰ سوره صاد با مدح و تمجید وی آغاز شده و بعد از ذکر داستان اسب‌ها، مجدداً به مدح و اکرام او منتهی می‌شوند؛ در حالی که طبق قول مشهور، بین این دو مدح، مذمت آن حضرت گزارش شده که با سیاق آیات، در تضاد است.

خداوند در آغاز آیات مذکور، حضرت سلیمان (ع) را مدح و ثنا کرده، می‌فرماید: ﴿وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾؛ «و سلیمان (ع) را به داوود (ع) بخشیدیم. چه نیکو بنده‌ای! به راستی او توبه‌کار (و ستایش‌گر) بود». (ص: ۳۰)

چنین تعبیری، نشان‌دهنده‌ی عظمت مقام وی است و شاید برای رد اتهامات زشتی بوده که در مورد تولد آن حضرت، از همسر «اوریا» در کتاب مقدس وارد شده (دوم سموئیل: ۲۷-۲/۱۱ و ۱/۱۲-۲۵) و احتمالاً در عصر نزول قرآن، این داستان شایع بوده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۶۸-۳۶۹؛ صادقی تهرانی، ۱۴۱۹: ۴۵۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۷۱/۱۹)

- در پایان این آیات نیز، در توصیف عظمت جایگاه حضرت سلیمان (ع) نزد پروردگار آمده است: ﴿وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ﴾؛ «و قطعاً برای او در پیشگاه ما تقرب و فرجام نیکوست». (ص: ۴۰)

این آیه به تنهایی، نشان از رفعت مقام وی داشته و درجه‌ای عظیم از اکرام، احترام و قرب مقام را برای او به تصویر می‌کشد. (سیدقطب، ۱۴۱۲: ۳۰۲۱/۵)

آیه پیش‌گفته در حقیقت پاسخی است به آنان که اذهان را نسبت به ساحت قدسی این پیامبر بزرگ -به پیروی از آن‌چه در کتاب مقدس آمده است- (اول پادشاهان: ۱/۱۱-۴۰)، به انواع نسبت‌های ناروا از جمله نسبت بت‌پرستی، آلوده ساخته‌اند و این مسئله موجب شده تا خانم سوسک، هیچ منطقی برای پذیرش این مطلب نیابد که حضرت سلیمان (ع) با وجود رفتارهای عصیانگرانه، مستحق پاداش الهی باشد.

بلاغت در کلام اقتضا دارد که در بین چنین ستایش‌هایی، وصفی که معارض با آن است، ذکر نشود (سبحانی، ۱۴۰۷: ۸۷/۵). چگونه می‌توان تصور کرد خداوند آن حضرت را به عنوان بنده‌ای شایسته که در امور دین و دنیا به درگاه الهی بازگشت می‌کرد، ثنا گفته و بلافاصله او را به علت دل‌مشغولی به اسب‌ها و غفلت از نماز، نکوهش کند؟! بنابراین، چگونه ممکن است خداوند در آغاز، وی را با عبارت ﴿نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ (ص: ۳۰) مدح و ثنا کند، سپس بلافاصله فعل قبیح مدنظر را به او نسبت دهد.

به قتل رساندن اسب‌ها به علت قضا شدن نماز، گذشته از آن که گناهی نابخشودنی به حساب می‌آید، اسراف و اتلاف مالی محترم است (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۹۷/۱۶؛ طیب، ۱۳۷۸: ۲۴۳/۱۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰۴/۱۷). چنین اعمالی حتی از انسان‌های عادی توقع نمی‌رود، تا چه رسد به حضرت سلیمان (ع) که برگزیده خداوند بوده و به او علم و حکمت اعطا شده بود (نمل: ۱۵؛ انبیاء: ۷۹؛ اول پادشاهان: ۲۹/۴-۳۰) و دارای چنان قدرت مادی و معنوی بود که حیرت‌انگیز است (انبیاء: ۸۱-۸۲؛ اول پادشاهان: ۳۱/۴-۳۴). در اسلام علاوه بر این که انسان‌ها از حق حیات برخوردارند، حیوانات هم حق حیات دارند؛ بنابراین سؤال این است که اصلاً اسب‌ها چه خطایی مرتکب شده بودند که مستحق این عقوبت باشند؟! (صدوق، ۱۴۱۳: ۲۰۲/۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۹۷/۱۶؛ ابن جزی، ۱۴۱۶: ۲۰۷/۲؛ طیب، ۱۳۷۸: ۲۴۳/۱۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰۴/۱۷)

حتی بر فرض این که آن حضرت اسب‌ها را ذبح کرده و - چنان که گفته‌اند - به عنوان کفاره‌ی کوتاهی خود در عبادت صدقه داد (کاشانی، ۱۳۳۶: ۵۲/۸-۵۳)، باز این اشکال باقی است که قربانی و ذبح کردن، چه مناسبتی با پی کردن و قطع نمودن دست و پای حیوان دارد؟! چنان که بنا بر قول مشهور، معنای آیه ﴿فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ﴾ (ص: ۳۳) پی کردن و گردن زدن توأمان است.

۴-۱-۲-۳. تعارض با مبانی اعتقادی

با توجه به این که دلایل محکم عقلی بر عصمت انبیا (ع) اقامه شده‌اند، روایات آحاد درباره لغزش حضرت سلیمان (ع) در عبادت، صلاحیت معارضه با این ادله را ندارند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۹۲/۲۶؛ خازن، ۱۴۱۵: ۴۲/۴). بنابراین، حتی اگر روایات مذکور از نظر سند قوی باشند، به دلیل مخالفت با ادله عقلی مردود هستند (سیدمرتضی، ۱۳۷۷: ۹۳). در داستان وی اموری روایت شده‌اند که هر خردمندی باید ساحت انبیا (ع) را منزّه از آن امور دانسته و حتی از نقل آنها درباره آنان شرم کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰۷/۱۷)

توجیهاتی که با تکیه بر قول مشهور، فوت نماز را به حضرت سلیمان (ع) نسبت می‌دهند، این سؤال را ایجاد می‌کنند که اساساً آیا ممکن است پیامبری معصوم، وظیفه واجب خود را به دست فراموشی سپارد؟ (ابن عجیبه، ۱۴۱۹: ۲۶/۵) در صورتی که چنین غفلی حتی در شأن بزرگان دین نیست، تا چه رسد به انبیا (ع) (طیب، ۱۳۷۸: ۲۴۳/۱۱). حتی اگر گفته شود نمازی که فوت گردید، نافله و مستحبی بوده است، باز جای این سؤال است که برای نماز نافله، رد شمس چه ضرورتی دارد؟! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۷۶-۲۷۷؛ سبحانی، ۱۴۰۷: ۸۸/۵)

۵-۱-۲-۳. مخالفت با قواعد ادبی

به نظر می‌رسد روایاتی که بیان‌گر لغزش حضرت سلیمان(ع) در عبادت‌اند، از جهات زیر با قواعد ادبی مخالفت دارند:

برداشت معنای «قطع کردن» از (مسحا) امری بعید و خلاف واقع به نظر می‌رسد (صدوق، ۱۴۱۳: ۲۰۲/۱؛ طیب، ۱۳۷۸: ۲۴۳/۱۱). معنای متبادر و معروف مسح، «دست کشیدن» و یا «مالیدن چیزی به چیزی» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۶۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۹۳/۲؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۵۷۱/۲؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۴۱۲/۲) است و اگر مقصود از آیه مورد بحث، ذبح و پی کردن بود، می‌بایست چنین می‌فرمود: «فطفق ضربا بالسوق والاعناق»؛ یا دست کم از «سیف» ذکر می‌بایست می‌آورد (سیدمرتضی، ۱۳۷۷: ۹۴؛ حقی بروسوی، بی‌تا: ۳۰/۸؛ سبحانی، ۱۴۰۷: ۸۸/۵). بنابراین، اگر مراد از مسح سوق و اعناق، قطع کردن آنها بود، باید مراد از آیه **﴿وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ**

وَأَرْجُلَكُمْ...﴾؛ «و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین (هر دو پا) مسح کنید» (مائده: ۶)، نیز قطع «رئوس و ارجل» باشد (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۹۱/۲۶). باید توجه داشت که عرب «قطع کردن با شمشیر» را مسح نمی‌نامد (همان). ضمن آن که دست کشیدن به بدن حیوانات - به ویژه اسب - برای تحسین آنها، امری بدیهی و مرسوم بوده و هست. (سیدمرتضی، ۱۳۷۷: ۹۴؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۸۲۴/۳؛ مراغی، بی‌تا: ۱۱۹/۲۳)

در آیات پیش گفته، لفظی برای خورشید نیامده است تا بتوان مرجع ضمیر را در «تواری» و «ردوها» به آن برگرداند، در حالی که عبارت (الصَّافِنَاتُ الْجَيَّادُ) به صراحت ذکر شده است؛ اما عجیب آن که کلمه مذکور در آیه مورد بحث را رها کرده و مرجع ضمیر را در «تواری» و «ردوها»، به چیزی که اثری از آن نیست، برمی‌گردانند. این مطلب در حالی است که به لحاظ نحوی، بازگرداندن ضمیر به موجود سزاوارتر و بهتر است از بازگرداندن ضمیر به مقدر. (سیدمرتضی، ۱۳۷۷: ۹۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۹۰/۲۶)

از دلایل و قراینی که گذشت، تردیدی در نادرستی قول مشهور، مبنی بر لغزش حضرت سلیمان(ع) در عبادت باقی نمی‌ماند، غیر از این که شاید دلالت لفظ «بالعشی» بر فوت نماز باشد. البته، مشکل زمانی به وجود می‌آید که غروب آفتاب، مساوی با قضا شدن نماز فرض شود؛ حال آن که پیش‌تر گذشت، هیچ تلازمی بین غروب آفتاب و قضا شدن نماز وجود ندارد.

بدین ترتیب، معنای درست آیات مدنظر به این نحو است: چون اسبان را که تازه آورده بودند، از نظر وی گذراندند، به رغم تاریکی هوا فرمود که آنها را بازگردانند. آنگاه به امتحان اسبان پرداخت و به دلیل تاریکی هوا که اعضای حیوان به خوبی دیده نمی‌شود، دست بر گردن و ساق آنها کشید تا فربه یا لاغری اسبان را دریابد. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۳۷۰/۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۹۰/۲۶؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۳۷۹/۶)

پاره ای از اسرائیلیات در زمینه لغزش حضرت سلیمان (ع) در عبادت که منشأ دیدگاه مشهور و خانم سوسک بوده است، بدین قرارند:

الف) در برخی تفاسیر به نقل از کلبی، حسن بصری و مقاتل آمده است:

«حضرت سلیمان (ع) نماز اول خود را خواند و بر تخت خود نشست و آماده سان دیدن از اسبها شد. از میان هزار رأس اسب او، نهصد اسب را بر وی عرضه کردند. حضرت سلیمان (ع) چنان غرق در مشاهده آنها شده بود که وقتی به خود آمد، خورشید غروب کرده و نماز عصر وی قضا شده بود. از این رخداد بسیار محزون شده و دستور داد اسبها را دوباره برگردانند و برای جلب رضایت خدا، همه آنها را با شمشیر پی کرد و تنها صد رأس باقی ماند. امروزه هر چه از اسب در اختیار مردم قرار دارد، از نسل آن اسبهای نجات یافته است». (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۹۹/۸-۲۰۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۹۱/۴؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۶۷/۴؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۲۷۳/۱۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۹۵/۱۶؛ جرجانی، ۱۳۷۷: ۱۴۷/۸؛ حقی بروسوی، بی تا: ۲۹/۸)

ب) طبری از قول برخی مفسران از جمله سدی نقل کرده است:

«مقصود از «مسح» در آیه ﴿... مَسَحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ﴾ (ص: ۳۳)، قطع کردن پا و گردن اسبها بوده است». (طبری، ۱۴۱۲: ۱۰۰/۲۳؛ قمی، ۱۳۶۷: ۲۳۵/۲)

همچنین طبری از حسن بصری روایت کرده است:

«حضرت سلیمان (ع) اسبها را پی کرده و گردن زد؛ آن گاه فرمود: باشد تا بار دیگر از عبادت پروردگارم غافل نشوم». (طبری، ۱۴۱۲: ۱۰۰/۲۳؛ جصاص، ۱۴۰۵: ۲۵۸/۵؛ طوسی، بی تا: ۵۶۱/۸؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۵۶)

ج) از امام علی (ع) روایت شده است:

«نمازی که حضرت سلیمان (ع) در آن کوتاهی کرد، نماز عصر بوده است». (طوسی، بی تا: ۵۶۰/۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۴۰/۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۰۹/۵)

همچنین روایتی به این مضمون از ابن عباس نقل شده است:

«به علت هیبت و عظمت حضرت سلیمان (ع)، کسی جرأت نداشت با وی هم کلام شود و او را متوجه وقت نماز کند، به همین جهت، نماز عصر او فوت گردید». (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۰۹/۵؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۹۵/۱۶)

د) نقل شده است کعب الاحبار درباره آیه ﴿حَتَّى تَوَازَتْ بِالْحِجَابِ﴾ (ص: ۳۲)، می گفت:

«آن حجاب از یاقوت سبز است. یاقوتی که به همه خلایق احاطه داشته و آسمان از سبزی آن، به رنگ کبود در آمده است» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۰۹/۵)

۵) گفته شده است:

«خداوند حضرت سلیمان(ع) را به سبب پی کردن اسب‌های خود، پاداشی شایسته مرحمت فرموده و مرکبی راه‌وارتر و سریعتر از اسب در اختیار او گذاشت؛ یعنی باد را مسخر وی کرد تا به فرمانش به نرمی حرکت نموده و صبحگاهان مسیر یک ماه را بپیماید و عصرگاهان، مسیر یک ماه را». (زمخشری، ۱۴۰۷: ۹۲/۴؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۲۷۳/۱۶-۲۷۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۵۶/۷)

طبق این دیدگاه، مسخر شدن باد برای وی به علت دل بریدن و پی کردن اسب‌ها بوده است! (الوسی، ۱۴۱۵: ۱۸۵/۱۲)

و) در برخی تفاسیر که اغراق‌گویی‌شان به حد اعلا رسیده، آمده است:

«آن اسب‌ها بیست هزار رأس بودند، همگی بال و پر داشتند و حضرت سلیمان(ع) تمام آنها را پی کرد». (بغوی، ۱۴۲۰: ۶۷/۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۹۴/۱۶؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۵۵/۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۰۹/۵)

حق آن است که هیچ یک از روایاتی که در تفسیر آیات مربوط به وی نسبت‌های ناروایی را به او داده‌اند، صحیح نبوده و قابل اعتماد نیستند (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۳۷۰/۹؛ سیدقطب، ۱۴۱۲: ۳۰۲۰/۵)، چنان که غالب آنها روایاتی مرسله هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۷۷/۱۹). بی‌پایگی این روایات در حدی است که حتی طبری که به طور معمول به نقل این گونه روایات اهتمام دارد، زبان به انتقاد از مضمون آن‌ها گشوده است. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۰۰/۲۳؛ معرفت، ۱۴۱۸: ۳۱۲/۲-۳۲۱)

بررسی اسناد روایات مورد بحث نشان می‌دهد این روایات را کسانی اشاعه داده‌اند که در پذیرش اقوال یهودیانی چون کعب الاحبار و امثال او که اظهار اسلام می‌کردند، بسیار اهل تساهل بوده و از پراکندن اسرائیلیات آنان در میان مسلمانان ابایی نداشته‌اند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰۷/۱۷؛ سبحانی، ۱۴۰۷: ۹۰/۵)

حتی بر فرض صحت سند تعدادی از روایات باب زندگانی حضرت سلیمان(ع)، باید دانست قوت سند، منافاتی با اسرائیلیات بودن روایت ندارد (ابوشهبه، ۱۴۱۳: ۲۷۲)؛ زیرا در این قبیل روایات، اموری به رسولان پروردگار نسبت داده شده‌اند که نشر آنها حتی در مقام نقل نیز جایز نیست (همان). برخی از روایات هم که از اهل بیت(ع) در زمینه کوتاهی وی در عبادت وارد شده‌اند، بر فرض صحت صدور، از روی تقیه بوده‌اند (جزائری، ۱۴۰۴: ۳۷۳)؛ زیرا در روایات دیگری از آنان، چنین اسرائیلیاتی تکذیب شده‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۹۴/۳؛ صدوق، ۱۳۸۵: ۶۰۵/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۴۱/۸)

۳-۳. برخورداری حضرت سلیمان(ع) از توانایی‌های مرموز و سحرآمیز

خانم سوسک، در ادامه بیان ویژگی‌های حضرت سلیمان(ع) در قرآن، درباره کارهای خارق‌العاده ای که به واسطه وی صورت می‌گرفت، تعبیر «برخورداری از توانایی‌های مرموز و سحرآمیز» را به کار می‌برد و می‌گوید:

«سلیمان کسی است که از توانایی‌های مرموز و سحرآمیز گسترده‌ای برخوردار بود که آن‌ها را به اذن الهی اعمال می‌کرد» (Soucek, ۲۰۰۳b: ۵/۷۶)

از نظر وی این توانایی‌های مرموز و سحرآمیز به تعبیر وی، شامل مصادیق ذیل است:
او توانایی برقرارکردن رابطه با پرندگان و حیوانات را داشت. (نمل: ۱۸-۱۶)
تسلط وی بر باد و مجبور کردن آن به بردن او به هر کجا که می‌خواست. (انبیاء: ۸۱؛ سبأ: ۱۲؛ ص: ۳۶)

توانایی سریع رفتن جنیان تحت فرمان وی به گونه‌ای که قادر بودند تخت پادشاهی ملکه سبا را مصادره کنند و آن را در يك لحظه برای او بیاورند. (نمل: ۳۹)
بناها و اشیای ساخته شده برای وی توسط انسان‌ها، پرندگان، جنیان و شیاطین تحت امرش به انجام رسید. (انبیاء: ۸۲؛ ص: ۳۷-۸۰)

(Soucek, ۲۰۰۳b: ۵/۷۶-۷۷; Id., ۱۹۹۳: ۱۰۹-۱۳۶)

۱-۳-۳. بررسی

گفته‌های خانم سوسک در این بخش از جهت این که بر اساس قرآن توانایی‌هایی را به حضرت سلیمان (ع) نسبت داده، درست است، اما کیفیت این انتساب که از مبنای اومانیزستی او که قدرت انسان را نامحدود می‌انگارد، مشکل دارد. از این رو، وی با آن که تحقق این توانایی‌ها را منوط به اذن خداوند معرفی کرده، ولی از آنها به توانایی‌های مرموز و سحرآمیز یاد کرده است، در حالی که این توانایی‌ها نه نسبتی با انسان عادی دارد و نه حتی کار خود پیامبر است؛ بلکه صرفاً از قدرت بی‌نهایت خداوند ناشی شده و پیامبر تنها واسطه تحقق این امر است. به همین جهت، در اصطلاح اسلامی، به این سنخ مسائل، توانایی نمی‌گویند، بلکه به آن معجزه اطلاق می‌کنند؛ یعنی عملی که انسان بما هو انسان از انجام آن عاجز است.

بر این اساس، تفاوت‌هایی بین معجزه و کارهای خارق‌العاده دیگران وجود دارد که عبارتند از:
کارهای ساحران و مرتاضان با وسایل مادی و یک سلسله تمرینات عادی انجام می‌شود، ولی معجزه بدون وسیله مادی و مقدمه و تمرین صورت می‌گیرد.

کارهای جادوگران و مرتاضان از دیگران آموخته شده و به دیگران نیز آموزش داده می‌شود، ولی معجزه نه از کسی آموخته شده و نه قابل آموزش دادن به افراد دیگر است.

کارهایی که ساحران، مرتاضان، شعبده‌بازان، کاهنان و افرادی نظیر آنان انجام می‌دهند، از هر کس صادر می‌شود، هر چند شخص کافر یا فاسد باشد، ولی معجزه فقط از پیامبرانی که پاک و صالح و شایسته‌ترین بندگان خدا هستند، ظاهر می‌شود.

ساحران و مرتاضان آنچه را انجام می‌دهند، از خود و هنر خویش می‌دانند، ولی کارهای خارق-العاده‌ای را که پیامبران انجام می‌دهند، صرفاً از طرف خدا می‌دانند و به اذن و اراده او انجام می‌دهند. کارهای ساحران و مرتاضان اغلب برای مطامع دنیوی و سودجویی و هوس‌های دنیوی انجام می‌گیرد، ولی معجزه فقط برای اثبات رسالت و ابلاغ دین الهی است. کارهای ساحران و مرتاضان محدود به بعضی مکان‌ها و شرایط معین و قیود خاصی انجام می‌شود، ولی معجزات پیامبران چنین محدودیت‌هایی ندارند و در شرایطی که لازم باشد، فقط با توجه به اذن خداوند انجام می‌گیرند. (رحیمی اصفهانی، ۱۳۶۲: ۲۶۴-۲۶۵)

۴-۳. رابطه حضرت حضرت سلیمان (ع) با ملکه سبا

یکی از محورهایی که خانم سوسک در پژوهش خود درباره حضرت سلیمان (ع) بر آن تأکید کرده، رابطه آن حضرت با ملکه سبا است. وی در این باره، به برخی داستان‌ها اشاره دارد که مفسران در ذیل آیاتی از سوره نمل بیان کرده‌اند. از نظر خانم سوسک این داستان‌ها بیش از آن که واقعی باشند، خیالی به نظر می‌رسند. وی در این باره می‌نویسد:

درباره رابطه وی با ملکه سبا که در منابع اسلامی با بلقیس یکی دانسته شده است، داستان‌هایی وجود دارد؛ این داستان‌ها قدرت تخیل عوام را به خود جلب کرده است. (Soucek, ۲۰۰۳b: ۵/۷۷; Id., ۱۹۹۳: ۱۰۹-۱۳۶)

۴-۳-۱. بررسی

انتقادی خانم سوسک از داستان‌هایی که در ذیل آیاتی از سوره نمل با جزئیات بیشتری بیان شده‌اند، به صورت کلی درست است، ولی بسیاری از این جزئیات، در تفاسیر اسلامی نیز مردود اعلام شده‌اند که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۴-۳-۱-۱. مستند به اسرائیلیات

در ذیل آیات ۳۸ تا ۴۴ سوره نمل، اسرائیلیاتی نقل شده است که به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

در تفاسیر از قول ابن عباس، وهب بن منبه، عکرمه، کعب الاحبار، مجاهد، محمد بن کعب قرظی، سدی، ابن جریر و برخی دیگر، روایات و داستان‌هایی وارد شده است که جامع این اقوال به شرح ذیل است:

حضرت سلیمان (ع) تصمیم گرفت بلقیس را به عقد خود در آورد، اما جنیان ترسیدند او با بلقیس ازدواج کند و گفتند ما تاکنون تحت امر وی بودیم و حال اگر بلقیس، پسری برای او بیاورد، هم-

چنان تحت بندگی آن‌ها خواهیم ماند. پس، تصمیم گرفتند بلقیس را از چشم حضرت سلیمان (ع) انداخته، او را نسبت به بلقیس، بی‌میل کنند. برای همین منظور، به وی گفتند: بلقیس دچار نقصانی در عقل است و هم‌چنین مانند الاغ (و چهارپایان) شُم دارد؛ زیرا مادر او، از جنیان بوده است. هم‌چنین پاهای بد شکلی داشته و ساق پایش نیز موهای زیادی دارد.

به همین دلیل، وی برای امتحان عقل بلقیس، فرمان داد تخت پادشاهی او را حاضر کرده و در آن تغییراتی دهند تا ببینند آن را می‌شناسد یا نه؟! و برای آن که پاهایش نمایان شود، دستور داد قصری از بلور و شیشه بسازند تا درستی این سخن را بسنجند.

بلقیس تخت خود را شناخت (و معلوم شد عقل او ایرادی ندارد)؛ اما هنگامی که خواست وارد حیات قصر شود، گمان کرد برکه یا رودخانه‌ای در برابر اوست، لذا جامه‌ی خود را بالا گرفت و پای خود را برهنه کرد تا از آن آب بگذرد. در همین هنگام حضرت سلیمان (ع) به پاهای او نگاه کرد و بلافاصله چشم از او گرفته و گفت: برکه نیست، بلکه شیشه است؛ بلقیس هم دامنش را (که جمع کرده بود) رها کرد.

وی (با دیدن پاهای او) متوجه شد برخلاف شنیده‌هایش، او دارای بهترین پاها و ساق‌ها بوده و سخن جنیان (در سم داشتن او) صحت ندارد. تنها عیب او، پر مو بودن آن‌ها بود، که موها به دور ساق‌هایش پیچیده شده و موجب گردیده از علاقه‌اش به بلقیس کاسته شده، از چشمش بیفتد.

حضرت سلیمان (ع) به فکر فرو رفته و برای حل این مشکل، آدمیان را خواست و (با آن‌ها به مشورت پرداخته) گفت: این موها خیلی زشت است، چگونه می‌توان آن‌ها را زدود؟ گفتند: ای پیامبر خدا! با تیغ؛ اما بلقیس (موافقت نکرده و) گفت: تا کنون آهن و چیز تیزی بدنم را لمس نکرده است. وی هم گفت: ممکن است (طرز استفاده از آن را ندانسته و) ساق او زخمی شود و (از ترس آن که جراحاتی به پای بلقیس وارد شود) این نظر را خوش نداشت. پس، با جنیان مشورت کرد، اما آن‌ها اظهار بی‌اطلاعی کرده، گفتند: نمی‌دانیم.

در نهایت، با شیاطین مشورت کرد که چگونه بدون هیچ آسیبی به بدن او، این موها را بزداییم؟ آن‌ها گفتند: ما چاره‌ای می‌اندیشیم که پاهایش چون نقره درخشان گردد. آن گاه کوشیدند و برای بلقیس حمام و نوره ساختند؛ و از آن زمان بود که این دو مرسوم شد.

حضرت سلیمان (ع) با او ازدواج کرد و به شدت وی را دوست می‌داشت؛ و (طبق قولی)، بعد از ازدواج، او را به سرزمین خودش یمن فرستاد و به شیاطین و جنیان دستور داد (سرزمین او را آباد کنند و) برایش قصر و کاخ بسازند؛ آن‌ها هم سه قلعه و دژ بسیار مرتفع به نام‌های سلحون و بینون و غمدان ساختند که نظیر آن‌ها دیده نشده است.

وی هر ماه، یک مرتبه با باد به یمن می‌رفت و هر بار، سه روز پیش بلقیس می‌ماند. حتی پسری از او متولد شد که نامش را داوود گذاشتند، اما در زمان حیات حضرت سلیمان (ع)، از دنیا رفت.

پادشاهی بلقیس در زمان حیات وی ادامه داشت، اما با فوت آن حضرت، یکی از شیاطین به یمن رفت و با صدای بلند، وفات او را به جنیان و شیاطین (تحت خدمت بلقیس) اعلام کرد و به آنها گفت که دست از کار بکشند. بدین ترتیب، حکومت بلقیس نیز به پایان رسید. (قمی، ۱۳۶۷: ۱۲۸/۲؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۰۶/۱۹-۱۰۷؛ طبری، بی تا: ۴۹۳/۱؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲۱۲/۷؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۵۰۸/۳-۵۰۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۵۱/۷؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۲۶۱/۴؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳۶۵/۳؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۴۹/۵؛ میبیدی، ۱۳۷۱: ۲۲۵/۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۰۹/۱۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱۷۵/۶-۱۷۷)

۲-۱-۴-۳. آسیب شناسی روایات برخورد حضرت سلیمان (ع) با ملکه سبا

به نظر می رسد در ماهیت جعلی بودن داستان های مورد بحث - که انسان را به یاد انیمیشن هایی با عنوان «شاه و وزیر» همراه با مقداری چاشنی شهوت می اندازد - تردیدی وجود نداشته باشد. با این وجود این، چرا برخی از بزرگان و عالمان از نقل آنها خودداری نکرده اند؟ این سؤالی است که بی جواب مانده و هر خواننده منصفی را آزار می دهد.

در آسیب شناسی روایات مذکور تنها کافی است به چند نکته ذیل توجه شود:

حضور تنی چند از سرسلسله راویان اسرائیلیات، همچون کعب بن احبار، وهب بن منبه و ابن جریج در بین اسناد داستان های مذکور که به طور معمول، روایاتی دور از ذهن، عجیب، نامتعارف، غیر واقعی و تحریف شده را نقل می کنند، مؤیدی بر بی پایه بودن آنها است. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۰۵/۱۹-۱۰۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲۱۲/۷؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۵۰۸/۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۰۹/۱۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱۷۷/۷-۱۷۶)

راویان و قائلان روایات مورد بحث، با عدم درک منزلت والای حضرت سلیمان (ع) - عمداً یا سهواً - گمان کرده اند این پیامبر آسمانی، آن همه امکانات و تجملات را به عنوان حيله ای برای نظاره ساق برهنه زنی به کار بسته است! از آن طرف، جن و انس را بسیج کرده تا تدبیری در زدودن موی پای ملکه بیندیشند؛ چنان که علامه شعرانی ذیل روایات مذکور، به نقد آنها پرداخته، می نویسد:

پیغمبران خدا (ع) در معیشت اسراف نکرده و مال خدا را در تجمل و تنعم بیهوده به هدر نمی دادند. در برخی روایات آمده است که حضرت سلیمان (ع) برای امرار معاش خود، از برگ خرما زنبیل بافته، می فروخت؛ پس، بنای قصری با کف شیشه ای برای دیدن موی پای بلقیس نبود؛ بلکه حضرت سلیمان (ع) این قصر را به امر خداوند ساخت. (کاشانی، ۱۳۳۶: ۳۸/۷)

۳-۱-۴-۳. زندگی زاهدانه حضرت سلیمان (ع)

چگونه می‌توان پذیرفت شخصیتی که بر اساس آیات قرآن، از خداوند درخواست پادشاهی با آن همه مکنّت بکند و خداوند نیز به او این عطیه را ارزانی دارد (ص: ۳۵؛ نمل: ۱۹)، برای رسیدن به چیزی که خداوند بر وی حرام کرده است، چنین ترفندی را به کار بندد (ابوشهبه، ۱۴۱۳: ۲۵۰؛ معرفت، ۱۴۱۸: ۲۵۱/۲)، به ویژه آن که مطابق با روایات، حضرت سلیمان(ع) با این که پیامبری عالیقدر، صاحب قدرت و پادشاهی بود، زندگی کاملاً زاهدانه‌ای داشت؛ به طوری که لباسی از مو می‌پوشید، غذایش را از فروش حصیر و بوریایی که با دست خود می‌بافت، تهیه می‌کرد و چون تاریکی شب همه جا را فرامی‌گرفت، از ترس خدا بسیار می‌گریست. (دیلمی، ۱۳۷۶: ۴۲۰/۱)

بدین ترتیب، دیدگاه خانم سوسک درباره نوع رابطه حضرت سلیمان(ع) با ملکه سبا، نشان از عدم شناخت صحیح از رابطه وی با خداوند دارد و وی با بینش انسانی صرف خود همه چیز را گسیخته از خداوند فرض کرده و بر اساس آن، درباره حضرت سلیمان(ع) قضاوت نموده است.

۴-۱-۳. هدف حضرت سلیمان(ع) از بنای قصری با کف شیشه‌ای

بر اساس قرآن، اهداف حضرت سلیمان(ع) در بنای چنین قصر باشکوهی، آن بود که درک و فهم بلقیس را آزموده و عظمت ملک و سلطنتی که خداوند به وی اعطا کرده بود را به او بنمایاند و ببیند آیا با مشاهده این همه آیات و معجزات آشکار و دلایل نبوت، دل از شرک شسته، تسلیم فرمان‌های الهی خواهد شد؟ (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲۱۲/۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۳۶۹/۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۵۵۹/۲۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۵۱-۳۵۰/۷؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ۱۹۱/۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۰۸/۱۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱۷۵/۶-۱۷۶)

در واقع، اگر ملکه سبا، آن همه شکوه مادی و معنوی را در حضرت سلیمان(ع) به چشم ندیده بود، بعید بود از جلال و جبروت شاهانه خود دست شسته، از آیین دیرین خود و ملتش؛ یعنی خورشیدپرستی، دوری کرده، دل در گروه خداپرستی نهد. (ص: ۴۴؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲۱۲/۷؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۵۰۷/۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱۷۶/۶؛ سید قطب، ۱۴۱۲: ۲۶۴۳/۵)

پس، حکمت ساخت قصرهایی چنین باشکوه و حکومت شاهانه حضرت سلیمان(ع)، چیزی جز اطاعت پروردگار و ترغیب و دعوت به آیین یکتاپرستی نبوده است.

۴. نتیجه

خانم پریسیلا سوسک با توجه به آیات قرآن، سه ویژگی مهم برای حضرت سلیمان(ع) بر شمرده است: الف) فرمانروایی توأم با علم و حکمت؛ ب) برخورداری از حمایت الهی به رغم لغزش‌های گاه و بیگاه در عبادت؛ ج) دارا بودن توانایی‌های مرموز و سحرآمیز. در لابه لای ویژگی‌های مذکور، وی هم‌چنین به رابطه آن حضرت با ملکه سبا اشاراتی کرده است.

اولین ویژگی بیان شده توسط خانم سوسک، در نگاه اومانستی و سکولاریستی وی به نبوت دارد. بر این اساس، وی امکان جمع بین ویژگی فرمانروایی، و علم و حکمت حضرت سلیمان (ع) را بعید می‌داند، در حالی که ویژگی‌های پیش‌گفته، عطیه الهی به آن حضرت بوده است.

ویژگی دوم حضرت سلیمان (ع) در بیان خانم سوسک، مستند به روایاتی اسرائیلی است که ذیل آیات ۳۱ تا ۳۳ سوره صاد وارد شده است. این روایات که مع الأسف، قول مشهور مفسران بر آن بنا نهاده شده است، به کوتاهی عمدی یا سهوی وی در عبادت اشاره داشته و مجموعه‌ای از انواع افعال مذموم را در حضرت سلیمان (ع) جمع کرده‌اند. حال آن که این آیات، حتی به یک مورد از آن‌ها اشاره ندارند. این آیات، بدون آن که وی را در باب ترک نماز مذمت کنند، بدان معنا نیست که وی در تاریکی اول شب، به‌سان دیدن از اسب‌های تیزرو و آزمایش آن‌ها پرداخت و از شدت عجله فرصت نداد تا صبح شود؛ گویا نبردی در پیش رو داشته‌اند. در همین اثنا، آفتاب غروب کرده و هوا کاملاً تاریک شده و ارتش سواره‌نظام از دیده پنهان شد. وی دستور داد مجدداً اسب‌ها را برگردانند و به قصد نوازش و یا به قصد آزمایش و با توجه به این که در تاریکی شب اعضای حیوان به خوبی دیده نمی‌شود، شروع به دست کشیدن بر روی ساق و گردن آن‌ها کرد تا میزان فربهی گردن و ستبری یا باریکی پای اسب‌ها را دریابد.

خانم سوسک در بیان ویژگی سوم، با استفاده از آیات قرآن، کارهای خارق‌العاده‌ای را به حضرت سلیمان (ع) نسبت داده است، اما از آن جهت که وی از آن‌ها به توانایی‌های مرموز و سحرآمیز یاد کرده است، این تلقی ریشه اومانستی دارد. باید توجه داشت که در اصطلاح اسلامی، به این سنخ مسائل، توانایی‌های سحرآمیز و مرموز گفته نمی‌شود، بلکه به دلیل انتساب‌شان به علل غیرمادی و معنوی به آنها عنوان معجزه اطلاق می‌گردد.

خانم سوسک در محور چهارم پژوهش خود درباره حضرت سلیمان (ع)، از وجود داستان‌هایی درباره برخورد وی با ملکه سبا سخن گفته است. این داستان‌ها فی‌الجمله حقیقت دارند، اما جزئیات داستان‌های پیش‌گفته که بیان‌گر رابطه عاشقانه وی با یک زن نامحرم است، برگرفته از اسرائیلیاتی است که ذیل آیات ۳۸ تا ۴۴ سوره نمل شکل گرفته و شأن حضرت سلیمان (ع)، اجل از چنین داستان‌هایی است.

منابع

۱. **قرآن کریم**، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: سلیمان‌زاده، ۱۳۸۵ ش.
۲. **کتاب مقدس: عهد عتیق و عهد جدید**، ترجمه فاضل خان همدانی، تهران: نشر اساطیر، ۱۳۸۰ ش.

٣. ابن ادريس حلي، محمد بن منصور، **السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى**، قم: مؤسسه نشر إسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٤١٠ق.
٤. ابن جزي، محمد بن احمد، **كتاب التسهيل لعلوم التنزيل**، تحقيق عبدالله خالدي، بيروت: دار الارقم بن ابي الارقم، ١٤١٦ق.
٥. ابن جوزي، عبدالرحمن بن علي، **زاد المسير في علم التفسير**، تحقيق عبدالرزاق المهدي، بيروت: دار الكتاب العربي، ١٤٢٢ق.
٦. ابن عجيبة، احمد بن محمد، **البحر المديد في تفسير القرآن المجيد**، تحقيق احمد قرشي، قاهره: حسن عباس زكي، ١٤١٩ق.
٧. ابن عطيه اندلسي، عبدالحق بن غالب، **المحرر الوجيز**، تحقيق محمد عبدالشافى، بيروت: دار الكتب العلميه، ١٤٢٢ق.
٨. ابن كثير، إسماعيل بن عمر، **تفسير القرآن العظيم**، تحقيق محمد حسين شمس الدين، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٩ق.
٩. ابن منظور، محمد بن مكرم، **لسان العرب**، تحقيق جمال الدين ميردامادي، بيروت: دار الفكر، ١٤١٤ق.
١٠. ابوالفتوح رازي، حسين بن علي، **روض الجنان وروح الجنان في تفسير القرآن**، تحقيق محمد جعفر ياحقي، مشهد: بنياد پژوهشهای اسلامي آستان قدس رضوي، ١٤٠٨ق.
١١. ابوحيان اندلسي، محمد بن يوسف، **البحر المحيط في التفسير**، تحقيق محمد جميل صدقي، بيروت: دار الفكر، ١٤٢٠ق.
١٢. ابوشهبه، محمد بن محمد، **الاسرائيليات والموضوعات في كتب التفسير**، بيروت: دارالجيل، ١٤١٣ق.
١٣. آلوسي، محمود، **روح المعاني في تفسير القرآن العظيم**، تحقيق علي عبدالباري، بيروت: دار الكتب العلميه، ١٤١٥ق.
١٤. بحراني، سيد هاشم، **البرهان في تفسير القرآن**، تهران: بنياد بعثت، ١٤١٦ق.
١٥. بغوي، حسين بن مسعود، **معالم التنزيل في تفسير القرآن**، تحقيق عبدالرزاق المهدي، بيروت: دار احياء التراث العربي، ١٤٢٠ق.
١٦. ثعالبى، عبدالرحمن بن محمد، **جواهر الحسان في تفسير القرآن**، تحقيق محمد علي معوض، بيروت: دار احياء التراث العربي، ١٤١٨ق.
١٧. ثعلبي، احمد بن محمد، **الكشف والبيان**، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ١٤٢٢ق.
١٨. جرجاني، حسين بن حسن، **جلاء الأذهان وجلاء الأحزان**، تهران: دانشگاه تهران، ١٣٧٧ش.
١٩. جزائري، سيد نعمت الله، **النور المبين في قصص الأنبياء والمرسلين (ع)**، قم: كتابخانه آية-الله مرعشي نجفی، ١٤٠٤ق.

۲۰. جصاص، أحمد بن علی، **أحكام القرآن**، تحقیق محمد قمحاوی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق.
۲۱. حسینی شیرازی، سید محمد، **تقریب القرآن إلى الأذهان**، بیروت: دار العلوم، ۱۴۲۴ ق.
۲۲. حقی بروسوی، اسماعیل، **تفسیر روح البیان**، بیروت: دار الفکر، بی تا.
۲۳. خازن، علی بن محمد، **لباب التناویل فی معانی التنزیل**، تحقیق محمد شاهین، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
۲۴. دیلمی، حسن بن محمد، **ارشاد القلوب**، ترجمه علی سلگی نهاوندی، قم: شریف الرضی، ۱۳۷۶ ش.
۲۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات ألفاظ القرآن**، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ ق.
۲۶. رحیمی اصفهانی، غلام حسین، **درس‌هایی از اصول عقاید اسلامی**، قم: حکمت، ۱۳۶۲ ش.
۲۷. رضایی هفتادار، حسن، «ارزیابی آرای قرآنی برخی خاورشناسان معاصر»، **قرآن پژوهی خاورشناسان**، شماره ۲۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ ش.
۲۸. زمخشری، محمود بن عمر، **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**، بیروت: دار الکتب العربیة، ۱۴۰۷ ق.
۲۹. سبحانی، جعفر، **مفاهیم القرآن**، قم: مؤسسه سیدالشهداء العلمیة، ۱۴۰۷ ق.
۳۰. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، **الجديد فی تفسیر القرآن المجید**، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق.
۳۱. سید قطب، ابراهیم، **فی ظلال القرآن**، بیروت: دار الشروق، ۱۴۱۲ ق.
۳۲. سیدمرتضی، علی بن حسین، **تنزیه الأنبياء والأئمة (ع)**، قم: دار الشریف الرضی، ۱۳۷۷ ش.
۳۳. سیوطی، جلال الدین، **الدر المنثور فی تفسیر المأثور**، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۳۴. شریف لاهیجی، محمد بن علی، **تفسیر شریف لاهیجی**، تحقیق میر جلال الدین حسینی، تهران: دفتر نشر داد، ۱۳۷۳ ش.
۳۵. صادقی تهرانی، محمد، **البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن**، قم: بی نا، ۱۴۱۹ ق.
۳۶. صدوق، محمد بن علی، **علل الشرائع**، قم: کتاب فروشی دآوری، ۱۳۸۵ ش.
۳۷. صدوق، محمد بن علی، **من لا یحضره الفقیه**، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۳۸. طباطبایی، محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۳۹. طبرسی، فضل بن حسن، **جوامع الجامع**، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
۴۰. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان لعلوم القرآن**، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.

٤١. طبري، محمد بن جرير، **تاريخ الأمم والملوك**، تحقيق محمد أبو الفضل إبراهيم، بيروت: دار احياء التراث العربي، بی تا.
٤٢. طبري، محمد بن جرير، **جامع البيان عن تأويل آي القرآن**، بيروت: دار المعرفة، ١٤١٢ ق.
٤٣. طريحي، فخرالدين، **مجمع البحرين**، تحقيق احمد حسيني اشكوري، تهران: مرتضوى، ١٣٧٥ ش.
٤٤. طوسي، محمد بن حسن، **التبيان في تفسير القرآن**، تحقيق احمد قصير عاملی، بيروت: دار احياء التراث العربي، بی تا.
٤٥. طيب، سيد عبدالحسين، **اطيب البيان في تفسير القرآن**، تهران: اسلام، ١٣٧٨ ش.
٤٦. فخر رازی، محمد بن عمر، **مفاتيح الغيب**، بيروت: دار احياء التراث العربي، ١٤٢٠ ق.
٤٧. فيومي، احمد بن محمد، **المصباح المنير في غريب الشرح الكبير**، قم: دار الهجرة، ١٤١٤ ق.
٤٨. قرطبي، محمد بن احمد، **الجامع لأحكام القرآن**، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ١٣٦٤ ش.
٤٩. قشيري، عبدالكريم بن هوازن، **لطائف الاشارات**، تحقيق ابراهيم بسيوني، قاهره: الهيئة المصرية العامه للكتاب، بی تا.
٥٠. قمی، علی بن ابراهيم، **تفسير القمي**، تحقيق سيد طيب موسوي جزايري، قم: دار الكتاب، ١٣٦٧ ش.
٥١. كاشاني، ملا فتح الله، **زبدة التفاسير**، قم: بنیاد معارف اسلامی، ١٤٢٣ ق.
٥٢. كاشاني، ملا فتح الله، **منهج الصادقين**، تهران: کتابفروشی محمد حسن علمي، ١٣٣٦ ش.
٥٣. كليني، محمد بن يعقوب، **الكافي**، تحقيق علي اكبر غفاري، تهران: دار الكتب الإسلامية، ١٤٠٧ ق.
٥٤. مجلسي، محمدباقر، **بحار الأنوار**، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ١٤٠٣ ق.
٥٥. مراغي، احمد مصطفى، **تفسير المراغي**، بيروت: دار احياء التراث العربي، بی تا.
٥٦. معرفت، محمد هادي، **التفسير والمفسرون في ثوبه القشيب**، مشهد: الجامعة الرضويه للعلوم الاسلاميه، ١٤١٨ ق.
٥٧. مغنيه، محمد جواد، **التفسير الكاشف**، تهران: دار الكتب الإسلامية، ١٤٢٤ ق.
٥٨. مكارم شيرازي، ناصر، **تفسير نمونه**، تهران: دار الكتب الإسلامية، ١٣٧٤ ش.
٥٩. ميدي، رشيد الدين، **كشف الأسرار و عدة الأبرار**، تحقيق علي اصغر حكمت، تهران: امير-كبير، ١٣٧١ ش.
٦٠. نحاس، أبو جعفر، **اعراب القرآن**، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٢١ ق.
٦١. نخجواني، نعمة الله بن محمود، **الفواتح الإلهية و المفاتيح الغيبية**، قاهره: دار ركابي للنشر، ١٩٩٩ م.

٦٢. نظام نيشابورى، حسن بن محمد، *تفسير غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، بيروت: تحقيق
زكريا عميرات، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٦ق.

٦٣. Soucek, Priscilla, «Material Culture and the Qurān», *Encyclopaedia
of the Qurān*, Leiden: Brill, ٢٠٠٣a.

٦٤. _____, «Solomon», *Encyclopaedia of the Qurān*, Leiden: Brill,
٢٠٠٣b.

٦٥. _____, «Solomon's throne/Solomon's bath». Model or metaphor, in
Ars orientalis ٢٣, ١٩٩٣.